

کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

شماره ۷ - ۲۴ مهر ۱۳۸۳ - ۱۵ اکتبر ۲۰۰۴

سردبیر: کورش مدرسی جمعه ها منتشر میشود www.hekmatist.com



اساس سوسیالیسم انسان است

منصور حکمت

قدرت کمونیسم در کردستان اهرمی مهم در تعیین تکلیف قدرت سیاسی در ایران است گفتگو با حسین مرادیگی (حمه سور) دبیر کمیته کردستان حزب در باره برنامه عمل تشکیلات کردستان



general10@ukonline.co.uk

حسین مرادیگی: محورهای اصلی کار ما در این دوره اسپینها هستند: بسیج مردم در کردستان حول سرنگونی رژیم اسلامی، تبدیل کردن حزب به رهبر "نه" مردم به جمهوری اسلامی در کردستان، تبدیل رهبران و شخصیت‌های با فی الحال با اتوریته و محبوب حزب در کردستان به رهبر اعتراضات سراسری مردم شهرهای کردستان ایران، تضمین امکان سازمان یابی، اتحاد و بقیه در صفحه ۲

کردستان برای تاثیر گذاری بر اوضاع و خارج ساختن سریع کنترل شهرها از دست جمهوری اسلامی را مد نظر دارد. اینها در مجموع ضرورت تدوین چنین برنامه عملی را برای حزب ما در کردستان الزامی ساخته است.

کمونیست: محورهای اصلی تاکید در این برنامه عمل کدام است؟ چه تصویر عمومی ای را بدست میدهد؟

باید این حزب در آینده ایران و در جدال بر کسب قدرت سیاسی بازی کند، فاکتورهایی هستند که تدوین چنین برنامه عملی را برای ما الزامی ساخته است.

این برنامه عمل در راستای همان اهدافی است که حزب در سراسر ایران برای آن مبارزه میکند، در عین حال اوضاع متفاوت در کردستان و نیز نفوذ و قدرت و توانایی حزب در

جنگی نقشه میخاهد. تصرف قدرت سیاسی و سازمان دادن انقلاب بزرگترین جنگی است که کسی میتواند در آن شرکت کند.

پس نقشه میخاهد. اما صرف نظر از این کلیات، اوضاع بشدت متحول جامعه ایران و موقعیت ناپایدار جمهوری اسلامی و موقعیت ویژه کردستان که میتواند به خارج شدن کنترل شهرهای کردستان از دست رژیم اسلامی در شرایط بسیار متنوعی یک امکان واقعی است. همه اینها و موقعیت قدرتمند کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در کردستان و نقشی که

کمونیست: برنامه عمل تشکیلات کردستان را در کمونیست ۵ منتشر کردیم. چرا تهیه چنین برنامه عملی اصولا لازم است و اهمیت آن چیست؟

حسین مرادیگی: اگر کسی بخواهد چیزی را تغییر بدهد و اگر نخواهد استراتژی انتظار را در پیش گیرد باید تصویر یا نقشه ای برای ایجاد آن تغییر داشته باشد و معلوم کند در چه مرحله ای و چگونه به پیروزی خواهد رسید. هر



از "حجاریان" تا "الحجاریان" و از "خمینی" تا "هخا"

koorosh@ukonline.co.uk

کورش مدرسی

"نمره صفرشان ول میشود". سرعت بازگشت رهبری جدید حزب کمونیست کارگری ایران به سیاست، روحیات و خلقیات سیاسی چپ سنتی حیرت آور است. کار از "ول شدن نمره صفر" شان بقیه در صفحه ۳

نمره گیر خارج کنید چرخ با سرعت "غیر قابل کنترلی" به جای اول خود بر میگردد. خلقیات، "تحلیلات" و روحیات این افراد هم همینطور است، به محض اینکه از دایره نفوذ شما خارج شوند به سرعت به جای اولشان برمیگردد. به طنز میگفت

ظرفی برای توصیف روحیه "متحول" بعضی ها مثالی داشت که خالی از لطف نبود. میگفت خلقیات و تحلیل های اینها مثل تلفن های "نمره ای" است که با آن رقم صفر را گرفته باشید. به محض اینکه انگشتتان را از چرخ

حقوق کودک تخطی ناپذیر است!

(پیام رحمان حسین زاده)

صفحه ۴

راست و چپ این جامعه درگرفت.

بتدریج کمونیسیم روشن تر شد و یک قطب اجتماعی نیرومندی را ایجاد کرد که حضور آن در روزهای کارگر و اول ماه مه ها انکار ناپذیر بود، بعدها در همایش زنان در ۸ مارس و اکنون نیز خود را در همایش دفاع از حقوق کودک نشان میدهد.

جنبش راست و ناسیونالیسم کرد نیز تلاش کرده است که قطب دیگری را تقویت کند، که خود را در ماجراهای فرهنگی و دفاع از عقب ماندگی، دفاع از طرح ارتجاعی فدرالیسم و غیره نشان داده است. حضور و دخالت موثر و بموقع کمونیسیم تناسب قوای مناسبی را برای ابراز وجود صف رادیکال جامعه ایجاد کرده و ایجا میکند که لحظات این پیشروی به اصلاح اختلاف فاز را میتوان از سطح مبارزه سراسری دید.

در عین حال بدلیل وجود عقب ماندگی در کردستان و تقویت آن از طرف راست جامعه، یعنی هر وقت راست جامعه، ناسیونالیسم کرد امکان ابراز وجود پیدا کرده است. این اختلاف فاز بشکل شکاف و عقب ماندن مبارزه مردم کردستان ایران از سطح سراسری خود نشان داده است.

در مجموع وجود تناسب قوای مناسب برای عرض اندام و حضور صف چپ و رادیکال جامعه وجود آمده است. این حقیقت را باید دید و دخالت موثرتر کرد و گرنه، چپ به خوشخیالی و یا برداشتی سطحی از رویدادهای کردستان ایران دچار خواهد شد. این واقعیت هوشیاری بیشتری را از ما می طلبد.

ادامه دارد

بین جنبش اعتراضی در کردستان با دیگر نقاط ایران نیست، مضمون جنبش اعتراضی در کردستان ایران با مضمون اعتراض و مبارزه مردم سرتنگونی طلب در سراسر ایران یکی است.

ناسیونالیسم کرد و احزاب و گروههای مربوطه نسبت به این مطالبات و این خواستها بیگانه و بی ربطند، اما این به این معنی نیست که ناسیونالیست ها نسبت به رویداد ها و حرکات سیاسی در کردستان بویژه آنچه که مستقما به جنبش آنان مربوط است بی تفاوت می مانند و سعی نمی کنند که مهر جنبش خود را بر آن بزنند.

اما در کردستان ایران طبقه کارگر و بورژوازی در قالب احزاب سیاسی خود علنا به مصاف سیاسی و حتی نظامی هم رفته اند. جنبش کمونیسیم کارگری و ناسیونالیسم کرد در این جامعه دو جنبش معرفی اند، اثرات آن را میتوان در همه عرصه های مبارزه در کردستان بروشنی دید. حداقل در سی تا ۴ دهه گذشته جنبش ملی کرد با هیچ مبارزه و مطالبه رفاهی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه تداعی نشده است، جز در دفاع از مذهب و خرافه و تقدیس عقب ماندگی در کردستان، جز در تقابل با کمونیسیم و پیشروی کمونیسیم در جامعه. همه رادیکالیسم این جامعه محصول دخالت جنبش کمونیسیم کارگری بوده است، این را نمیشود انکار کرد.

در مورد اختلاف فاز در کردستان، فاکتورهای متعددی دخالت دارند. بعد از انقلاب ۵۷ کردستان ایران بدلیل مبارزه سیاسی و نظامی که شکل گرفت مسیر سیاسی متفاوتی را از دیگر نقاط ایران طی کرد. احزاب چپ و راست در جامعه شکل گرفتند. در نتیجه یک کشمکش واقعی و متناقض بین

یکی از خصوصیات قابل توجه جنبش اعتراضی در کردستان تمایل وسیع به متشکل شدن و یافتن راههای جدید و اشکال نوین مبارزه است که بدون اغراق میتوان گفت که خصلت آن به سنت اجتماعی کمونیسیم کارگر متعلق است. فستیوال آدم برفی ها، همایش دفاع از حقوق جهانشمول کودک در چند روز گذشته در شهرهای سنندج و سقز و مریوان و غیره، نمونه هایی از این اشکال نوین مبارزاتی هستند. مردم بدنبال تشکل و اتحادند، هر راهی را که جمهوری اسلامی برای دور کردن آنان از تشکل می بندد، جنبش اعتراضی مردم سرتنگونی طلب آن را از طریق دیگری باز میکند.

رهبران و فعالین این مبارزات بالاخره دارند فعالیت علنی خارج از چهارچوب رژیم اسلامی را یاد میگیرند و آن را به جمهوری اسلامی تحمیل میکنند. این سرآغاز خوبی برای حرکتهای متشکل و متحد توده ای و با شعارهای روشن در آینده است. جنبش اعتراضی در کردستان برخلاف آنچه که ناسیونالیستها ادعا میکنند یا میخواهند نشان دهند، ملی نیست، مبارزه ای صرفا برای رفع ستم ملی نیست، هرچند که خواست رفع ستم ملی نیز بعنوان یکی از ستمهای موجود در این جامعه در کنار دیگر مطالبات توده کارگر و دیگر مردم آزادیخواه کردستان، مطرح است.

جنبش اعتراضی در کردستان مشابه جنبش اعتراضی در دیگر نقاط ایران و جنبشی است برای آزادی، برای رفاه و برابری. جنبشی است در اعتراض به مذهب و قوانین اسلامی، برای برابری کامل زن و مرد، برای بهداشت مجانی، مسکن مجانی، آموزش رایگان، برای لغو اعدام و غیره و غیره. از این نظر بلحاظ مضمونی تفاوتی

مند ما را درک کرد. برای بقدرت رساندن این نیرو و اینکه چگونه و طی چه پروسه ای باید آن را بقدرت رساند، باید نقشه داشت، نقشه ریخت، نقشه مند حرکت کرد و مراحل و شاخصهای پیشروی را تعیین کرد.

حرکت نقشه مند یکی از شاخصهای جدی بودن ما و یا هر نیروی سیاسی دیگری است که برای گرفتن گوشه ای در جدال سیاسی و نهایتا کسب قدرت سیاسی مبارزه میکند. ممکن است سرعت تحولات ادغام سریع مراحل را ایجاب کند و یا بالعکس کندی تحولات، بین این یا آن مرحله، اندک فاصله ای ایجاد کند، اما این به هیچ وجه نباید از اهمیت حرکت نقشه مند و مرحله بندی شده نمی کاهد، بلکه بر ضرورت آن تاکید دارد.

در هر مرحله ما بر روی توانایی های واقعی و شاخصهایی که ما را قادر به گذر از مرحله ای به مرحله دیگر خواهد کرد، حساب می کنیم.

کمونیسیت: موقعیت کنونی جنبش اعتراضی در کردستان چگونه است؟ آیا این جنبش ملی است؟ چه رابطه ای میان اعتراض در کردستان و اعتراض سراسری، به لحاظ مضمونی، وجود دارد؟ چرا ما شاهد اختلاف فاز میان اعتراض در کردستان و در بعد سراسری هستیم؟ گاهی کردستان جلوتر و گاهی عقب تر از سطح اعتراض سراسری ظاهر میشود، چرا؟

حسین مرادبیگی: مبارزه و اعتراض مردم در سطوح مختلف ادامه دارد، مردم علییرغم تشدید فشار و سرکوب رژیم اسلامی در چند ماه اخیر روحیه مبارزه جویی و معترض خود را نگهداشته اند و در رویاروییهای خود با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی آن را نشان میدهند.

ابراز وجود رهبران و فعالین جنبش کارگری، جنبش برابری طلبی زنان، معلمان و جوانان، خارج ساختن کنترل محلات از دست رژیم اسلامی، گسترش جنبش مجامع عمومی و شورائی و حمایت از دیگر کانونها و اتحادیه های اقشار مختلف مردم معترض، گسترش سریع پتانسیل و ابراز وجود نظامی حزب در کردستان، به حاشیه راندن ناسیونالیسم کرد و احزاب و گروههای مربوطه و خنثی کردن بند و بست های آنان علیه مردم بویژه طرح سیاه و ارتجاعی فدرالیسم، انتگره کردن هرچه بیشتر مبارزه مردم در کردستان با مبارزه سراسری علیه جمهوری اسلامی.

کمونیسیت: مبنای مرحله بندی در این نقشه عمل چیست؟ آیا این مرحله بندی اختیاری یا خیالی نیست؟

حسین مرادبیگی: مبنای مرحله بندی نقشه عمل ما از موقعیت حزب در کردستان، از توانائیا و ناتوانیهای ما در هر دوره در آمده است، به این اعتبار اختیاری و یا خیالی نیست. جوابگویی به نیاز هر دوره و هر مقطع را توانائی های ما تعیین میکند. این در واقع مبنای مرحله بندی کار ما و محور فعالیت نقشه مند حزب در کردستان است. پروسه قدرت گیری ما یک پروسه یک بعدی نیست، مراحل و پیچیدگیهای خاص خود را دارد. مساله این است ما یک نیروی قدرتمند در جامعه

هستیم، حزب ما در کردستان از نفوذ، موقعیت قدرتمند و صفی از رهبران با اتوریته و خوشنام در عرصه های مختلف سیاسی تشکیلاتی و نظامی برخوردار است که منحصر به فرد است. این واقعیات را باید ضرب در اوضاع بشدت متحول ایران کرد تا حرکت نقشه

بقیه از صفحه ۱

گذشته است. دو نمونه اخیر قطعاً آخرین شاهکار اینها نخواهد بود:

نمونه اول رابطه اینها با حزب کمونیست کارگری عراق است. "آخرین" خبر رهبری جدید حزب کمونیست کارگری ایران این است که حزب کمونیست کارگری عراق "راست" شده است. اشتباه نکنید! ادعا این نیست که تغییری در سیاست حزب کمونیست کارگری عراق درقبال سوسیالیسم ایجاد شده. یا تغییری در سیاست دولت آمریکا، اسلام سیاسی، دولت عراق و یا ناسیونالیست های کرد بوجود آمده است. ادعا این نیست که تغییری در سیاست سازمان دهی کارگران در عراق، سیاست متحد کردن مردم برای باز کردن روزنه ای در تباهی سناریو سیاهی که به آنها تحمیل شده است بوجود آمده است. بعکس میدانند حزب کمونیست کارگری عراق اخیراً از یک طرف در رودروئی آشکار با جریانات اسلامی در مناطق مقدادیه و شاهران آنها را عقب رانده است و از طرف دیگر در اجتماعات ۱۵ و ۲۰ هزار نفری مردم در ژاپن و کره صدای اعتراض بشریت متمدن و انسانیت سرکوب شده در عراق را به گوش همه میرساند. اما اینها اهمیتی ندارند. هیچ اتفاقی در دنیا بیرون، در جامعه و یا در سیاست لنگری فکری یا سیاسی برای این نوع تفکر نیست. نه برنامه، نه تاکتیک، نه شعار و نه هیچ چیز حزب کمونیست کارگری عراق تغییر نکرده است. اما "ناغافل" حکم ارتدادشان صادر شد. "راست" هستند! سنگسارشان کنید! چرا؟ چون رهبری حزب کمونیست کارگری

عراق روایت "حجاریانی" و "سوسیالیسم رم میدهد" از اختلافات درونی حزب کمونیست کارگری ایران را نپذیرفت. پیچیده تر و بالغ تر از آن بود که روایت کودکانه اینها از تحولات درونی حزب کمونیست کارگری ایران را به پذیرد. نمیتوانست قبول کند که "تازه" معلوم شده که لیدر سابق و رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران دو سال قبل "مخفیانه" به سوسیالیسم پشت کرده بود، مرتد شده بود و همه دفاعیاتش از سوسیالیسم و برابری انسان در مقابل هجوم راست "غیر واقعی" بوده و "نقش" بازی میکرده است! یا بپذیرد که لشکر عظیم از کمونیست های که جامعه سوسیالیسم و کمونیسم را با آنها تداعی کرده است و حزب کمونیست کارگری ایران، از جمله همین رهبری تازه آن، تا روز قبل از جدائی آنها را بعنوان رهبران کمونیست معرفی میکرد، "ناگهان" "کافر" شدند. رهبری حزب کمونیست کارگری عراق این روایت ساده لوحانه را نپذیرفت. همین. و با همین کار خود کافر شد.

حزب کمونیست کارگری عراق و ما با آنها اختلاف عقیده داریم و چه جرمی بزرگتر از این! درست مثل همه جریانات مذهبی که رابطه شان با جهان بیرونی را اعتقادات فرقه آنها تعریف میکند و نه رابطه آنها با جهان بیرون. اینجا هم مهم نیست شما کجای این دنیا و در متن چه جدال اجتماعی یا سیاسی در گیر باشید، مهم این است که رابطه عقیدتی شما با این فرقه چیست. شاخص درست و غلط، چپ و راست نه رابطه شما با دنیای بیرون بلکه رابطه تان با خود این فرقه است. درست مثل

برخورد یک متعصب مذهبی به یک بهائی. هر کاری در حق بهائی مجاز است و بهائی هر کار بکند و رهبر هر حرکت اجتماعی و سیاسی باشد کافر و مهذور الدم است. برای اینها نه ما و نه حزب کمونیست کارگری در دنیای بیرون وجود نداریم. هر دروغی را میتوان به ما بست، هر نکته ای را گفته اعلام کرد.

ما را طرفدار حجاریان معرفی میکنند. لابد حزب کمونیست کارگری عراق را هم طرفدار "الحجاریان" اعلام خواهند کرد. مهم نیست. هر دو الصاق به یک اندازه واقعی هستند. این دنیای ذهنیت کودکانه، ساده، شیر یا خطی و نیمه مذهبی و رایا کارانه چپ سنتی است.

نمونه دوم اما به همان اندازه جالب است. رفقا در روایای کودکانه خود دست را سایه بان چشم کرده نظار گر افق دور اند و با دست فلق سرخ را به مردم نشان میدهند. ناپلئون هائی با بیژامه و کلاه سه گوش در حال قدم زدن در مقابل آئینه. دای جان ناپلئونها. دن کیشوت های با لگن سلمانی بر سر و پشت و روسوار بر اسب. رویا کودکانه است اما چیزی از اپورتونیسمی که این رویا در دنیای سیاست به همراه می آورد نمی کاهد.

ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی این بار از زبان فاشیست ترین و مخبط ترین نماینده خود "اهورا" حق خواه "مردم را زیر پرچم "هخا" به خیابان فرا میخواند. مردم زیادی در این ماجرا شرکت نمیکند اما رفقای ما در رویای کودکانه خود فکر میکنند هر کس که مردم را به خیابان آورد مهم نیست. جامعه چپ است، آنها رهبر چپ اند، پس آنها رهبر جامعه اند! دو

دو تا چهار تا! نه تاکتیک لازم است و نه نقشه. کافی است انقلاب سواری کنید. هر کس انقلاب را راه انداخته باشد مهم نیست. اما تراژدی این بود که اینها در این رویا به دنبال "اهورا" افتادند و مردم را به خیابان خواندند. به روی مبارک هم نیاوردند که در آکسیون کس دیگری شرکت میکنند و نه در اعتراض روز مره مردم.

گفتند دور جدیدی در مبارزه سوسیالیستی مردم شروع شده است! یک فاشیست مردم را به زیر پرچم خود خوانده است و اینها برای سوسیالیسم از آن استفاده میکنند! چه ادعای و چه فرصت از دست ندادنی!

اما مشکل این است که اولاً این نوع استفاده از فرصت را فرصت طلبی مینامند. به مردم حقیقت را نمی گویند. پرنسیب هایشان را فدای فرصت روز میکنند، سوار موج میشوند. این همان انقلاب سواری است که گفتیم دنیای اینها را تشکیل میدهد. ربطی به سازمان دادن انقلاب و تصرف قدرت سیاسی ندارد.

در ثانی این ابداع تازه ای هم نیست. همیشه کار چپ سنتی همین بوده است. مثلاً سالها قبل، در جریان انقلاب قبلی، در ایران جریان اسلامی و خمینی مردم را در تاسوعا و عاشورا سال ۵۷ به خیابان خواند تا بند خود را بر گردن جنیش اعتراضی علیه حکومت سلطنتی محکم کند، تا چهره توده ای از اسلام بدهد. و تقریباً همه جریانات چپ همین سیاست دوستان ما در حزب کمونیست کارگری ایران را در پیش گرفتند. به مردم نگفتند که خمینی مرتجع است نباید در تظاهرات فراخوان داده توسط او

شرکت کنید. راستش اکثرشان یا جریان اسلامی و خمینی را آنقدرها مرتجع نمیدانستند و یا نسبت به آن حساس نبودند.

فکر میکردند مردم علیه رژیم شاه به خیابان آمده اند و اینها در گوشه ای با پرچم های "برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق" و "زنده باد انقلاب توده ها" مهر طبقه کارگر را به این انقلاب میزنند. اتفاقی که افتاد این بود که برای هزارمین بار معلوم شد که روی دوش ارتجاع نمیتوان جنبش مترقی ساخت. همان طور که چپ آن زمان نتوانست روی دوش خمینی "سوسیالیسم" را بسازد، رهبران کنونی حزب کمونیست کارگری ایران نخواهند توانست روی دوش اهورا حق خواه ندای سوسیالیسم را به جایی برسانند.

رابطه آن چپ با جنبش مذهبی نزدیک تر از این حرفها بود. از دل آن چپ حزب توده و چریک اکثریت در آمد. آیا جای آن چپ را حزب کمونیست کارگری، جای اسلاميون را ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی خواهد گرفت؟ و آیا رهبری جدید حزب کمونیست کارگری در آغاز راهی است که حزب توده به پایان رساند؟ باید دید. فعلاً که نمره صفرشان ول شده است با سرعتی باور نکردنی دارند به عهد عتیق خودشان بر میگردند

**به حزب
کمونیست
کارگری ایران -
حکمتیست
پیوندید!**



r_hoseinzadeh@yahoo.com

کودکان، به مبتکران این حرکت نوین و به کل جنبش انسانیت، و حقوق جهانشمول انسان تبریک میگویم. حزب ما جزو پیکره این جنبش انسانی است. با تمام توان برای تقویت و گسترش این حرکت و تضمین پیشروی و پیروزی جنبش حقوق جهانشمول کودک و انسان میکوشیم.

رحمان حسین زاده

رئیس هیئت دبیران حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست

۲۲ مهر ۱۳۸۳ - ۱۳
اکتبر ۲۰۰۴

حقوق کودک تخطی ناپذیر است!

(پیام رحمان حسین زاده)

میشود. در شرایطی که نیروهایی در اپوزیسیون تعلق به "آب و خاک و نژاد و خون" را بر حقوق کودک و انسان ترجیح میدهند. این حرکت شکوهمند، بر نیروی عظیم انسانیت و حقوق تخطی ناپذیر و جهانشمول انسان انگشت گذاشته است. این امید بخش است و راه واقعی خروج مردم ایران و خلاصی از بختک ارتجاع و کودک آزاری و انسان آزاری اسلام سیاسی و هر نوع ارتجاعی را در معرض انتخاب جامعه میگیرد.

تحرک عظیم و بی نظیر به مناسبت روز جهانی کودک را به سازماندهندگان و مردم مبارز و به "جمعیتها و نهادهای دفاع از حقوق

به کودک را شاخص احترام به انسان اعلام کرد. کمپینها، قطعنامهها و بیانیههای مهمی را اعلام کرد.

هرچند این جنبش در آغاز راه است اما یک جنبش عظیم و انسانی است. این جنبش را باید گسترش داد. برای گسترش این جنبش باید در کنار "کانونها و جمعیتهای رادیکال دفاع از حقوق کودکان" در شهرهای ایران بود. تجربه و ابتکار آنها را به همه شهرها و کل جامعه میتوان و باید منتقل کرد.

در شرایطی که حاکمیت جمهوری اسلامی خشونت، کودک آزاری، فقر و پدیده کودکان خیابانی و جنایاتی چون فاجعه کودکان در پاکدشت را موجب

در بسته بندیهای خرافی ملی و مذهبی، جنسی، فرهنگی دفاع میشود. حقوق جهانشمول کودک قطب نمای تحرک گسترده و اجتماعی مراسمهای اخیر به مناسبت روز جهانی کودک بود.

زنان و مردان آگاه، نهادهای مدافع حقوق کودکان!

همایش و متینگهای با شکوه روزهای گذشته، به دست شما و به همت شما صفحه جدید و سنت نوینی را در فعالیت و مبارزه اجتماعی جامعه تثبیت کرد. جامعه را در مقابل دفاع از کودک و حقوق آن مسئول اعلام کرد، تخطی و پایمال کردن حقوق کودکان را جرم اعلام کرد و احترام

کرد هم آئی های عظیم و پر شکوه به مناسبت روز جهانی کودک در پارک لاله، شوش، شهر ری، سنندج و سقز و مریوان و ... در تاریخ تحرک اجتماعی جامعه ایران بی نظیر بود.

اولین بار نیست، که در آن جامعه از حقوق کودک سخن میرود. اما اولین بار است در شرایط حاکم بودن، یک رژیم اسلامی کودک آزار و ضد انسان به همت کانونها و جمعیتهای نوپای دفاع از حقوق کودکان تحرک اجتماعی گسترده ای از رژه و متینگهای چند صد نفره تا متینگ پانزده هزار نفره سازمان داده میشود. اولین بار است این چنین شفاف و روشن از حقوق جهانشمول کودک بدون پیچیدن آن

توجه!

کمونست جمعه ها در چهار صفحه منتشر میشود!

کمونست را وسیعا تکثیر و پخش کنید!

راديو پرتو

بزودی روی طول موج کوتاه شروع بکار میکند

پخش اینترنتی برنامه ها

www.radiopartow.com

برنامه تلویزیونی حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست شروع میشود!

دوشنبه ها ۳۰ / ۹ تا ۳۰ / ۱۰ شب به وقت تهران

(۷ تا ۸ شب به وقت اروپای مرکزی و ۱۰ تا ۱۱ صبح به وقت غرب آمریکا)

از تلویزیون کانال یک

این برنامه سه شنبه ها ساعت ۳۰ / ۹ تا ۳۰ / ۱۰ صبح به وقت تهران

(۷ تا ۸ صبح به وقت اروپای مرکزی) مجدد پخش میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!